

تربیت فرزندان

نویسنده:

عبدالقادر شیخ ابراهیم

مترجم:

نور النساء ملازاده



مقدمه

کتابچه کوچکی که هم اکنون در دست دارید گرچه از جهت کمیت و تعداد صفحات، کم حجم و کوچک است اما بحق از جهت کیفیت و محتوا و بیان موضوع مورد نظر یعنی (روش برخورد و تربیت فرزندان) رساله ای بی نظیر است و بی اغراق می توان گفت که نویسنده محترم توانسته مفاهیم و اصول اساسی و بنیادی تربیت دینی را در آن بسیار زیبا و شیرین جای دهد. و مترجم محترم سرکار خانم نورالنساء ملازاده نیز به دلیل آشنایی کامل و عملی با تربیت فرزندان خویش بر اساس محورهای دینی به خوبی از عهده بازگرداندن رساله از زبان عربی به فارسی برآمده است. بنده پس از مطالعه دقیق کتابچه و ویراستاری آن، مطالعه آن و عملی نمودن محتویات آن را به همه خانواده های مسلمان تأکید می نمایم و از آنجایی که هدف همه ما اصلاح جامعه اسلامی است، باید بدانیم که بدون اصلاح خانواده و فرزندان، هیچگاه جامعه

اصلاح نمی شود و تنها راه نجات، تربیت و اصلاح فرزندان و خانواده است.

با سپاس از انتشارات حرمین که سعی در جهت چاپ و نشر کتابهای دینی و فرهنگی و تربیتی دارند و در این راه صادقانه تلاش می نمایند.

امید است همه ما در این مسیر دینی و فرهنگی مشوق مترجمان و ناشران و نویسندگان عزیز خود باشیم.

فاروق احمدی تالش

مقدمه مترجم

بسم الله الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم

نحمده و نصلی علی رسولہ الکریم اما بعد.

نقل است که فرزندان را بر اساس سه خصلت تربیت
نمایید: دوست داشتن پیامبر اکرم ﷺ، دوست داشتن اهل بیت او
و تلاوت قرآن مجید.^۱

قطعاً فرزندان که بر پایه های فوق، تربیت شوند خداوند
متعال آنرا به اوج عزت و عظمت نایل می گرداند.

وظیفه پدر و مادر در قبال تربیت فرزند، بسیار سنگین
است؛ باید آنان از هنگام تولد تا وقتی که فرزند به سن بلوغ
رسیده و روی پای خود می ایستد مواظب او بوده و او را به
بهترین روش تربیتی که رسول اکرم ﷺ و بزرگان دین بیان
فرموده اند، تحت نظارت و کنترل خود تربیت کنند. خداوند
متعال در این مورد می فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسُهُمْ
وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ [تحریم: ۶]

^۱ تربیت الاولاد

ترجمه: ای مؤمنان! خود و اهل خود را از آتش (دوزخ) حفظ کنید.

منظور از نجات دادن خانواده و فرزندان از آتش جهنم، دور نمودن آنان از اعمالی است که سبب دخول آنان به جهنم می شود.

پدر و مادر با اخلاق و رفتار درست باید الگوی عملی برای فرزند باشند. داستان زندگی رسول اکرم ﷺ و صحابه و غزوه های آن حضرت ﷺ را برای آنان تعریف نمایید. چنان که صحابه رضی الله عنهم می گفتند: ما داستان غزوات رسول اکرم ﷺ را برای فرزندانمان تعریف می کردیم.

پدر و مادر هر دو در تربیت فرزند نقش دارند، اما چون در دوران کودکی وابستگی فرزند به مادر بیشتر از پدر است؛ نقش مادر در تربیت فرزند، تأثیر بیشتری دارد.

اقبال به زنان مسلمان توصیه می کند که به دختر گرامی رسول اکرم ﷺ تاسی نمایند تا مردانی همچون حسین در دامن خود، تربیت کنند:

مزرع تسلیم را حاصل بتول مادران را اسوه کامل بتول
آن ادب پرورده صبر و رضا آسیا گردان و لب قرآن سرا

فطرت تو جذبه ها دارد بلند چشم بنوش از اسوه زهرا بلند
تا حسینی شاخ تو بر آورد موسم پیشین به گلزار آورد
بنابر این مادران باید نقش و تأثیر خود را باور داشته باشند
و در تربیت فرزندان عزیز خود از هیچ تلاشی دریغ نورزند.

کودک هر آنچه دارد از آغوش مادر است

گر زشت باشد و اگر نیک اختر است

خوبی که از نخست کسی را بر سر نشست

او را هماره تا به دم مرگ بر سر است

در دفتر معلم و آموزگار نیست

آن تربیت که زاده دامان مادر است

رفتار مادر از پی سرمشق کودکان

بهرتر از هر کتاب و زهر گونه دفتر است

اگر تاریخ را ورق بزنیم می بینیم که مادران بزرگ و
نیکوکار با دعا و توجهاتشان توانستند فرزندان بزرگی را به
جامعه تحویل بدهند.

شوقی می گوید:

یتیم کسی نیست که پدر و مادرش مرده باشند و او را بی پناه و درمانده بر جای گذاشته باشند. بلکه یتیم واقعی کسی است که مادری بی توجه و پدری سرگرم و مشغول به کار خود دارد.

کتاب حاضر توسط یکی از نویسندگان عرب بنام عبدالقادر شیخ ابراهیم در رابطه با همین موضوع (تربیت فرزندان) به نگارش در آمده است. بنده بعد از مطالعه آن، تصمیم گرفتم آنرا به زبان فارسی ترجمه کنم تا بدین وسیله توانسته باشم خدمتی هر چند کوچک به جامعه عرضه نمایم. ترجمه آنرا به پدر و مادران آگاه که به تربیت فرزندانشان علاقه مند می باشند تقدیم می دارم.

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا».

ا م عزیز الرحمن نور
النساء ملازاده

بسم الله الرحمن الرحيم

حقوق فرزند بر پدر قبل از تولد، آغاز می شود. و این حق، توجه برای انتخاب مادر خوب و رعایت نمودن عوامل وراثت از یک طرف، و فراهم نمودن محیط سالم برای سرپرستی فرزندان از جانب دیگر می باشد.

خداوند متعال در قرآن مجید به صراحت به این مسأله اشاره فرموده است:

﴿ الْحَبِيبَاتُ لِلْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبُونَ لِلْحَبِيبَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۲۶﴾ [نور: ۲۶]

ترجمه: زنان ناپاک، از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک از آن زنان ناپاکند، و زنان پاک متعلق به مردان پاکند، و مردان پاک متعلق به زنان پاکند. آنان از نسبتهای ناروایی که به آنان داده می شود مبرا و منزه اند. (به همین دلیل) ایشان از مغفرت الهی برخوردارند و دارای روزی ارزشمندی می باشند (که بهشت جاویدان و نعمتهای غیر قابل تصور آن است).

ابن کثیر از عبدالرحمن بن زید بن اسلم، روایت می کند که اومی گوید: زنان خبیث و ناپاک متعلق به مردان ناپاک، و مردان خبیث و ناپاک از آن زنان ناپاک و زنان پاک، شایسته مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک می باشند.

آیه مبارکه به این موضوع اشاره می نماید که ویژگی مرد پاک موافق با زن پاک، و ویژگی زن پاک موافق با مرد پاک است.

بعضی از مفسران از این آیه برای برائت و پاکی سیده عایشه رضی الله عنها قبل از اینکه برائت وی در قرآن نازل شود، استدلال کرده اند. ابن کثیر می گوید: خداوند عایشه رضی الله عنها را برای همسری پیامبر ﷺ به این دلیل انتخاب کرد که وی پاک بود و از هر انسان پاکی پاکتر بود، و اگر نعوذ بالله، ایشان ناپاک می بود هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ رتبه و ارزش برای همسری پیامبر خدا ﷺ صلاحیت نمی داشتند. اما چنین نبود بلکه به دور از هر شائبه ی پلیدی، در عین پاکی و نزاهت قرار داشت. چنانکه خداوند عزوجل می فرماید: ﴿أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ﴾ یعنی آنان از آنچه اهل افک و دشمنان اسلام می گویند به دور و پاک می باشند.

﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ﴾ یعنی به سبب دروغها و تهمت‌های ناروایی که در حق آنان گفته شده مورد مغفرت خداوند قرار گرفتند. ﴿وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ یعنی برای آنان در باغهای پر نعمت بهشت از جانب خداوند رزق پاکیزه و خوب وجود دارد. و در این آیه خداوند متعال به عایشه رضی الله عنها وعده داده است که در بهشت نیز همسر رسول خدا ﷺ خواهد بود.

در روایات آمده است: که در زمان جاهلیت یکی از اصحاب با زنی بدکار خویشاوندی داشت و هنگامی که مسلمان شد تصمیم گرفت با وی ازدواج کند. لذا از رسول خدا ﷺ در این مورد مشورت خواست. خداوند متعال در جواب درخواست او آیه ذیل را نازل فرمود:

﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾ الخ

در احادیث و سنت نبوی شریف نیز برای انتخاب نمودن همسر صالح و نیک برای ازدواج امر شده است، چنانکه رسول اکرم ﷺ می فرماید: «تُنكحُ المرأةُ لأربعٍ: لِمَالِهَا

وَلِحَسَبِهَا وَجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا، فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ
يَدَاكَ»^۱.

ترجمه: زن بخاطر چهار چیز نکاح کرده می شود: بخاطر مالش، نسبش، جمال و زیبایی اش و دینش، فقط دیندار را انتخاب کن دستهایت پر رونق می شود.

بله می بینیم که رسول خدا ﷺ در حدیث مزبور مردان را به ازدواج با همسر دیندار تشویق می نماید. اگر همه مردان به این دستور رسول گرامی عمل نمایند، بدون شک به هدف و مقصد والای ازدواج که همانا عفت و پاکدامنی و تشکیل خانواده ای مؤمن و خوب است، نایل خواهند آمد.

حکمت و فلسفه این دستور رسول اکرم ﷺ این است که زن در زندگی، شریک و مونس مرد می باشد. اگر زن، دیندار باشد، فرزندان صالحی دنیا آورده و تربیت صحیح اسلامی می نماید. و اگر دین نداشته باشد فرزندان ناصالح و بدور از اخلاق اسلامی دنیا خواهد آورد، چون اخلاق خوب و پدر و مادر در فرزند اثر می گذارد و رفتارها به یکدیگر سرایت می کند. دامن مادر، محل رشد و نمو فرزند می باشد. زیرا فرزند

^۱ بخاری (۵۰۹۰) و مسلم (۲۶۶۱).

در هر کاری از مادر تأسی می جوید و او را الگوی زندگی خود می داند. به همین علت رسول خدا ﷺ در حدیثی دیگر می فرماید: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ وَأَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا إِيَّاهُمْ»^۱

ترجمه: برای نطفه های خود (زنان پاکیزه و دین دار) را انتخاب کنید، و زنان در خور و شایسته ی خود را نکاح کنید و به افراد شایسته زن بدهید.

و در حدیثی دیگر می فرماید: «تزوجوا الحجز الصالح، فان العرق دساس»^۲.

ترجمه: اصول (زنان) پاکدامن را ازدواج کنید، چون رگ گراینده است، الحجز: اصل و محل رشد. والصلاح: کنایه از عفت می باشد.

معنی حدیث این است که اگر مرد با زنی صالح ازدواج کند فرزندی بدنیا می آورد که با خانواده همسر در عمل و اخلاق و غیره مشابهت خواهد داشت.

^۱ روایت ابن ماجه و آلبنی آنرا صحیح دانسته است.

^۲ روایت دیلمی در مسند فردوس و آلبنی آنرا موضوع (ساختگی) دانسته است.

آری! برادر مسلمانم نگاه کن که اسلام تا چه اندازه به فرزندان توجه دارد، از ابتدای پیدایش و چگونگی پیدایش؟

این توجه بالای اسلام، با انتخاب درست همسر صالح و شایسته برای تشکیل خانواده ای مسلمان و بدنی آوردن فرزندان صالح و نیکوکار تحقق می یابد.

بعد از ازدواج، مرحله تولد فرزندان می رسد. در این زمان است که رابطه میان زن و شوهر و اساس خانواده مستحکم می شود. در این هنگام فضای خانواده عوض و مرحله تربیت و توجه به فرزندان آغاز می گردد و احساسات جدیدی در خانواده ایجاد می شود که پدر و مادر را وادار به فراهم نمودن محیطی سالم برای تربیت فرزندانشان می کند. در این رساله، حقوق فرزندان بر والدین و وظیفه والدین درباره فرزندان را بیان خواهیم کرد.

۱- وظیفه ی مادر در برابر طفل خود - شیر دادن به کودک خویش -

خداوند متعال به مادر امر فرموده است که فرزندش را دو سال کامل شیر بدهد. قرآن مجید بر این امر تأکید می کند

چنانکه می فرماید: ﴿ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۗ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ﴾ [سوره بقره: ۲۳۳]

ترجمه: مادران (اعم از مطلقه و غیر مطلقه) دو سال تمام فرزندان خود را شیر می دهند، هر گاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شود.

علم جدید فواید دو سال شیردهی مادر به کودک از پستان خودش را ثابت کرده است که شیر مادر مناسبترین و بهترین غذا برای کودک می باشد. زیرا شیر مادر مطابق آب و هوا و فصلها تغییر می کند. در زمستان، گرم و در تابستان، سرد است تا با مزاج طفل سازگاری داشته باشد و نوشیدنی گوارا برای او در هر فصلی باشد. همچنین از نظر جسمی و روحی، کودک سالم و خوب، کودکی است که به مدت دو سال کامل از مادرش شیر بنوشد. زیرا چنین بچه ای در این مدت دو سال، عواطف و احساسات مهربانی، نرم دلی، لطف مادری، و نهایت رحمت را از مادر می گیرد و به ارث می برد.

وقتی الله عزوجل می فرماید: ﴿ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ﴾ می خواهد ثابت کند که شیر دادن مادر به بچه

در مدت دو سال، هیچ بیماری و ضرری را متوجه مادر نمی سازد.

آن کسانی که شیر دادن را ضرری برای مادران می دانند و علیه آن تبلیغات می نمایند ضعیف الایمان و شیطان هستند که این تبلیغات بی اساس را به راه انداخته اند. باید دانست که آنان هیچگونه هم خوانی ای با شرع مقدس اسلام ندارند. خداوند، ذاتی است که افراد فاسد را از مصلح می شناسد، چنانکه می فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾

ترجمه: بدان، آن کسی که انسان را آفرید، می داند و او باریک بین و آگاه است.

در علم طب ثابت شده است زنی که به کودکش شیر نمی دهد در معرض ابتلا به بیماریهای پستان قرار دارد... پس به یقین خداوند آفریدگار، دانا و پاک و برتر است.

۲- وظیفه ی پدر در قبال فرزند نفقه دادن به او

است

باید دانست که در اسلام، مسئولیت انفاق و تأمین هزینه های فرزندان به دوش پدر است چنانکه قرآن مجید بر این امر

تأکید می نماید و می فرماید: ﴿ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ﴾ [بقره: ۲۳۳]

ترجمه: بر هر فردی که برایش نوزادی بدنیا آمد رزق و پوشاک آنان بر اساس عرف مرسوم، واجب است.

رسول اکرم ﷺ اجر انفاق پدر بر فرزندان را بیان فرموده است. گرچه حدیث به صراحت از خانواده سخن گفته اما بطور ضمنی، فرزندان را نیز در بر می گیرد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ»^۱.

(دیناری که آن را در راه خدا خرج کردی و دیناری که آن را برای آزادی گردنی انفاق نمودی، و دیناری که آن را به مسکینی صدقه دادی، و دیناری که آن را برای خانواده ات خرج کردی. از میان همه ی این دینارها، بزرگترین اجر را دیناری دارد که بر خانواده ات خرج نموده ای).

^۱ صحیح مسلم (۱۶۶۱).

و در روایتی آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِينَارًا يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارًا يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارًا يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱

(با ارزش ترین دیناری که شخص آنرا انفاق می نماید، دیناری است که بر خانواده اش و سواری اش در جهاد و بر یارانش در راه خدا - جهاد - انفاق می کند).

پدر بخاطر انفاق بر فرزندش، مستحق پاداش و ثواب نزد خداوند متعال می شود. همچنین اگر بر فرزندان محتاج و ضعیف و نابالغ خود، انفاق نکند گناهکار می گردد. رسول اکرم ﷺ در حدیثی می فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقْوَتْ»^۲. (برای گناه کار بودن شخص همین اندازه کافی است که شخصی را که تحت سرپرستی او است و با او غذا می خورد از بین ببرد).

^۱ صحیح مسلم (۱۶۶۰). ^۲ روایت ابوداود (۱۴۴۲) و احمد (۶۲۰۷، ۶۵۲۷)،

۶۵۳۴، ۶۵۴۷) و نگا صحیح مسلم (۱۶۶۲) و آلبنی آنرا حسن دانسته است.

۳- تعلیم و تربیت فرزندان، وظیفه ی دیگر پدر است

تعلیم و تربیت فرزندان و وادار کردن آنان به کارهای نیک و درست و باز داشتن آنها از کارهای زشت، وظیفه ی سنگین پدر می باشد. زیرا این مسأله به دنیا و آخرت آنان و سعادت و شقاوت آنان، ارتباط دارد.

خداوند متعال می فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ [تحریم: ۶]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده هایتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگها است، دور نگه دارید.

آیه فوق هشدار ی بازدارنده از آتش جهنم است، کدامین آتش؟ آتشی که سوخت آن مردم و سنگ است، و مسؤلان آن فرشتگانی قوی و سر سخت هستند که هیچ گاه از دستور خداوند سرپیچی نکرده و آنچه به آن دستور داده می شوند، انجام می دهند.

کسی که به ندای ملکوتی قرآن عظیم الشأن گوش فرا ندهد به یقین خود را در خسارت و نقصان ابدی انداخته است. خداوند متعال می فرماید:

﴿ قُلْ إِنَّ الْخُسْرَانَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴾ [زمر: ۱۵]

ترجمه: بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که (عمر و جان) خود را (به سبب گمراهی، و حتی عمر و جان اهل و عیال) و وابستگان خود را (با گمراهسازی)، در روز قیامت (هدر دهند و) زیانبار کنند. هان! زیان آشکار، واقعاً همین است.

اما انسان با کدامین وسیله خود و خانواده اش را از این آتش و آن خسارت و زیان همیشگی نجات بدهد؟

قطعاً انسان خود را با علم و عمل می تواند از این آتش و زیان ابدی نجات دهد. زیرا رفتار و کردار درست از علم مفید و اعتقاد سالم سرچشمه می گیرد. اگر علم مفید و درستی وجود داشته باشد، از کجا و چطور انسان می تواند از رفتار درست اسلامی و صحیح برخوردار شود؟ بدین سبب بر هر پدر مسلمان لازم است که فرزند خود را از ابتدای کودکی،

علم دین بیاموزد، علمی که راه و روش زندگی و سعادت دنیا و آخرت را برای آنان بیمه کرده و تأمین نماید.

چنانکه الله جل جلاله در قرآن مجید به پیامبر محبوبش دستور می دهد که خانواده اش را به نماز وادار نماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲]

ترجمه: خانواده ات را به نماز دستور بده و خود نیز بر آن پای بند باش.

این لقمان رضی الله عنه است که فرزندش را به نماز، وبه کار نیک دستور داده و از منکرات باز می دارد. چنانکه الله تعالی از قول لقمان در قرآن مجید می فرماید: ﴿يَبْنِي أَقِيمِ الصَّلَاةَ وَامْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَانْتَهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷]

ترجمه: ای پسر عزیزم! نماز را چنانکه شایسته است بخوان، وبه کار نیک دستور بده و از کار بد، نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می رسد شکینا باش، اینها کارهایی (اساسی ومهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ
وَاصْرَبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي
الْمَضَاجِعِ»^۱.

ترجمه: در هفت سالگی، فرزندان را به نماز امر نمایید، و در ده سالگی آنان را بخاطر ترک نماز، کتک بزنید و رختخوابهایشان را از یکدیگر جدا کنید.

حکمت کتک زدن فرزندان بخاطر ترک نماز این است که آنان به نماز خواندن، عادت نمایند و تا زمان بلوغ با آن، انس بگیرند.

و حکمت جدا نمودن رختخواب فرزندان از یکدیگر به این دلیل است که از وساوس شیطان و خطر شهوت پرستی در امان باشند، زیرا در این مرحله از عمر، بیم آن می رود که به فساد و فحشا کشیده شوند. چرا که سن نوجوانی، سن خطرناکی است. به همین خاطر، رسول خدا ﷺ به جدا نمودن رختخواب بچه ها در این سن و آموختن ادب و اطاعت دستورات الهی و حفاظت احکام او، امر فرمودند.

^۱ روایت ابوداود (۴۱۸) و احمد (۶۴۰۲ و ۶۴۶۷) و آلبنی آنرا صحیح دانسته است.

۴- وظیفه پدر و مادر در قبال فرزندان

پدر و مادر باید عدالت را در همه موارد - تربیت، نفقه، محبت و دلسوزی - درباره فرزندانشان رعایت نمایند تا در دل فرزندان به علت بی عدالتی نهال کینه و حسادت و دشمنی کاشته نشود. زیرا دشمنی برادران یوسف با یوسف به همین خاطر بود که متوجه شدند پدرشان یعقوب یوسف را بیشتر از آنان دوست دارد. لذا با او دشمن شدند و نسبت به او حسد ورزیدند و طرح قتل او را پیاده کردند، چنانکه الله ذوالجلال می فرماید: ﴿ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۹۸﴾ أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿۹۹﴾ [یوسف: ۸ و ۹]

ترجمه: هنگامی که (برادران پدری یوسف) گفتند: یوسف و برادرش (بنیامین که از یک مادرند) نزد پدرمان از ما محبوبترند، در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم (و از آن دو برای پدر سودمندتر می باشیم) مسلماً پدرمان در اشتباه روشنی است.

یوسف را بکشید، یا او را به سرزمینی (دور دست) بیفکنید، تا توجه پدرتان فقط با شما باشد (و تنها و تنها شما را دوست داشته باشد و به شما مهر ورزد) و بعد از آن (از گناه خود پشیمان شوید و توبه می کنید و) افراد صالحی خواهید گشت (چرا که خدا توبه پذیر است و پدر هم عذرتان را قبول می نماید).

آنچه تا اینجا بیان گردید حقوقی بودند که در سن کودکی فرزند، بر عهده پدر هستند. اما هنگامی که فرزند بزرگ و جوان می شود، در آن وقت بر پدر لازم است که در عطایا و بخشش ها میان آنان عدالت را رعایت نماید تا پدر باعث دشمنی و کینه میان فرزندان نشود. چه بسا اتفاق می افتد که به جهت عدم عدالت پدر، فرزندان با پدر و برادران دشمن خواهند شد.

زیرا در این عصر بسیاری از پدران، بعضی از فرزندان را بر بعضی دیگر با دادن مال یا زمین یا چیزهای دیگر، فقط بخاطر عصبانی شدن بر یکی از فرزندان یا کوتاهی یکی از فرزندان در حق پدر، ترجیح می دهند. بدیهی است که این رفتار پدر، جنجال بزرگی بر پا می کند، و گاهی شده که همین فرزند محروم، به یک حیوان وحشی و درنده تبدیل شده

و پدر و برادرانش را تهدید به قتل می کند، اگر چه تهدید خود را عملی نکند، و برادرش را که بر او ترجیح داده اند و در حقش امتیاز بیشتری قایل شده اند دشمن خود می داند و در طول زندگی، مانند دشمن با او رفتار خواهد کرد و رابطه ی اخوت بین آنان قطع خواهد شد.

دکتر سعد جاویش در یکی از گفتگوهایش که من نیز در آن جلسه حضور داشتم، گفت: شنیده ام که در همین روزها مادری یکی از پسرانش را با دادن اموالش بر فرزند دیگرش ترجیح داده است. فرزند محروم که پیش از این، مطیع مادرش بود وقتی متوجه این مسأله می شود، با تبری به مادر حمله می کند و او را به قتل می رساند.

قطعاً علت این حادثه اسفناک رعایت نکردن عدالت از جانب مادر در حق فرزندانش می باشد. آنهم بدون هیچ دلیل و توجیهی از جانب مادر!!!

متأسفانه امثال اینگونه حوادث در دنیا بسیار اتفاق می افتد. اگر انسانها به شرع مقدس اسلام و دستورات رب العالمین پای بند بودند هرگز به این سیه روزی دچار نمی شدند.

آری، خداوند مفسد را از مصلح می شناسد و دستورات وی سد محکمی از وقوع شر بین خویشاوندان می باشند.

۵- وظیفه ی والدین در نام گذاری فرزندان

باید والدین برای فرزندان اسمهای مناسب و خوبی را انتخاب نمایند. اسمهای زشت و بی معنایی را که از جانب دوستان در مدرسه یا غیر مدرسه مورد تمسخر قرار بگیرند انتخاب نکنند. در غیر این صورت، آنان احساس حقارت می کنند و از نظر فکری و روحی ضعیف خواهند شد.

۶- تأمین حیات فرزندان وظیفه ی دیگر پدر

است

وظیفه ی پدر است که از زندگی و سلامتی فرزند محافظت نماید و او را به قتل نرساند. زیرا اعراب دوران جاهلیت بر اثر جهالتشان دختران خود را بخاطر ترس از فقر کشته و زنده بگور می کردند. از فرط جهالت از این مهم غافل بودند که ﴿ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴾ یعنی: خداوند روزی رسان و صاحب قدرت برتر می باشد. و آنان نیستند که فرزندان خود را روزی می دهند بلکه خداوند، رزاق است. خداوند متعال در کلام پاکش، آیات متعددی را بر

مذمت این کار ناروای آنان که ناشی از جهل و قساوت قلبی آنان بود، نازل فرموده است: ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ [انعام: ۱۴۰]

ترجمه: مسلماً زیان می بینند کسانی که فرزندان خود را از روی سفاقت و نادانی می کشند.

و در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِ أَنْ يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾ [انعام: ۱۵۱]

ترجمه: بگو بیایید چیزهایی را برایتان بیان می کنم که پروردگارتان بر شما حرام نموده است. اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر، نیکی کنید و فرزندانتان را از ترس فقر و گرسنگی، (الآن یا آینده) مکشید (چرا که) ما به شما و ایشان روزی می دهیم (و روزی رسان همه ماییم نه شما).

و در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا ﴾ [اسراء: ۳۱]

ترجمه: و (از آنجا که روزی در دست خدا است) فرزندان را از ترس فقر و تنگدستی نکشید. ما آنان و شما را روزی می دهیم (و ضامن رزق همگانیم) بیگمان کشتن ایشان، گناه بزرگی است.

اعراب دوران جاهلیت فرزندان بی گناه را به خاطر ترس از فقر می کشتند. خداوند عزوجل آنان را از این عمل زشت باز داشت و به آنان گوشزد فرمود که روزی در دست خداوند رزاق می باشد.

به جهت تأکید و اطمینان آنان خداوند قدوس روزی صغیر و کوچک را قبل از بزرگترها ذکر فرمود ﴿ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ﴾ عبدالله بن مسعود می گوید: گفتیم: ای رسول خدا! کدام گناه بزرگتر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نَدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ، قُلْتُ:

ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: ثُمَّ أَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ خَشِيَةَ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ،
قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ أَنْ تُزَانِيَ بِحَلِيلَةِ جَارِكَ»^۱.

یعنی اینکه با خداوند که تو را آفریده، شریکی قرار بدهی.
گفتم: بعد کدام؟ فرمود: اینکه فرزندان را از ترس اینکه با تو
غذا بخورد بکشی. گفتم: بعد کدام؟ فرمود: اینکه با همسر
همسایه ات زنا کنی.

بدیهی است که حدیث مزبور، دلیل این نکته نیز می شود
که سقط عمدی جنینی که چهار ماه او کامل شده است، قتل
محسوب می گردد چون روح در او دمیده شده است. به همین
خاطر باید به شدت از آن پرهیز نمود.

۷- وظیفه ی پدر حد و مرزی دارد که از آن نباید گذشت

الله تعالی پدران را از زیاده روی و افراط در محبت
فرزندان که باعث غفلت آنان از حقوق الله شود، منع کرده و
بر حذر داشته است.

^۱ بخاری (۴۷۶۱، ۶۸۶۱، ۷۵۲۰) و مسلم (۱۲۴، ۱۲۵).

خداوند عزوجل به طور آشکار و بی پرده بیان فرموده است که زیاده روی و افراط در محبت فرزندان منجر به عاقبت ناخوشایندی می شود، و گویا که با فرزندانش، دشمنی می کند و فرزندان دشمن او هستند. اگرچه قصد فرزندان، دشمنی و ضرر رساندن به پدر نیست اما وقتی محبت فرزندان به جایی برسد که فرزندان وظیفه ی دینی خود را فراموش کنند بمنزله ی دشمن او می شوند. خداوند متعال می فرماید:

﴿يَتَّيِبُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ
عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾ [تغابن: ۱۴]

ترجمه: ای مؤمنان! قطعاً بعضی از همسران و فرزندانتان، دشمنان شما هستند (شما را از راه خدا باز می دارند، و در عبادت و طاعت سست می گردانند) پس از ایشان، خود را بر حذر دارید.

ابن کثیر می گوید: «خداوند متعال خبر می دهد که بعضی از ازواج و فرزندان، دشمن همسران و پدران می باشند، این گونه که آنان را از عمل صالح، باز می دارند».

خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید: ﴿ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ
وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴾ [تغابن: ۱۵]

ترجمه: همانا اموال شما و اولاد شما فتنه و امتحان اند، و بدانید که نزد خداوند اجر عظیمی وجود دارد.

و در آیه ای دیگر می فرماید: ﴿ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا
تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴾ [منافقون: ۹]

ترجمه: ای مؤمنان! مبادا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازند. کسانی که چنین کنند (و اموال و اولادشان آنان را سرگرم و به خود مشغول دارد) ایشان، زیان کارند.

داستان پسری که خضر علیه السلام او را به قتل رساند و در سوره کهف ذکر شده است، فراموش نکنیم. خداوند متعال در این مورد می فرماید:

﴿ وَأَمَّا الْعَلْمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَحَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا
طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِمَّنْهُ زَكَاةً
وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴾ [کهف: ۸۰-۸۱]

ترجمه: و اما آن کودک (که او را کشتم) پدر و مادرش با ایمان بودند (و اگر او زنده می ماند) می ترسیدیم که سرکشی و کفر را بدانان تحمیل کند (و ایشان را از راه بیرد) ما خواستیم که پروردگارشان بجای او فرزندی پاکتر و پر محبت تری به آنان، عطا فرماید.

ابن کثیر می گوید: یعنی همین محبت فرزند است که گاهی پدر و مادر را وادار به کفر می کند. قتاده می گوید: هنگامی که این فرزند بدنیا آمد، پدر و مادرش خوشحال شدند. وقتی کشته شد بر او غمگین شدند و اگر این بچه زنده می ماند، سبب هلاکت آنان می شد.

ابن عباس به روایت از ابی بن کعب می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «الْغُلَامُ الَّذِي قَتَلَهُ الْخَضِرُ طَبَعٌ يَوْمَ طَبَعِ كَافِرًا»^۱

ترجمه: پسری که خضر او را کشت در سرنوشت او کفر رقم زده شده بود که کافر جبلی و فطری بوده است.

^۱ روایت صحیح مسلم (۴۳۸۶)، ابوداود (۴۹۰۵) و ترمذی (۳۱۵۰).

آیات و احادیث مذکور، دلیل بر این است که مال و اولاد برای انسان امتحان و آزمایش از جانب الله ذوالجلال می باشند تا انسان مطیع از عاصی و گناهکار شناخته شود.

روزی رسول اکرم ﷺ خطبه می خواند ناگهان چشم مبارک او به حسن و حسین افتاد که به سوی آن حضرت ﷺ می آمدند. آنان پیراهن های سرخ رنگی به تن داشتند که گاهی می لغزیدند و می افتادند و باز بلند می شدند. وقتی آن حضرت آنان را در آن حال دید از منبر پایین آمد و هر دو را برداشت و نزد خودش جلوی منبر نشاند. سپس فرمود: «صَدَقَ اللَّهُ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ فَانظُرْتُ إِلَى هَذَيْنِ الصَّبِيِّينِ يَمْشِيَانِ وَيَعْتِرَانِ فَلَمْ أَصْبِرْ حَتَّى قَطَعْتُ حَدِيثِي وَرَفَعْتُهُمَا»^۱.

ترجمه: خداوند و رسولش راست گفته اند که همانا اموال و اولاد شما امتحان و آزمایش هستند، به این دو بچه نگاه کردم که راه می رفتند و می لغزیدند و می افتادند، طاقت

^۱ روایت ترمذی (۳۷۰۷)، نسائی (۱۳۹۶)، ابوداود (۹۳۵) وابن ماجه (۳۵۹۰) و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.

نیاوردم تا اینکه سخنم را قطع کردم و آنها را بلند کرده و آوردم.

وقتی فرزندان برای پدر و مادر امتحان و آزمایشی هستند، پس بر پدر و مادر لازم است که از خداوند متعال موفقیت و سربلندی از این امتحان را طلب نمایند.

موفقیت و سربلندی از این امتحان، زمانی امکان پذیر است که پدر و مادر دستورات الله و حقوق فرزندان را رعایت کنند، و از حدود و قوانین الله عزوجل تجاوز نکرده و محبت فرزندان سبب غفلت از یاد خدا نگردد.

از خداوند عزوجل می خواهیم که به ما هدایت عنایت نموده و از شر نفس اماره رهایی بخشد چرا که بی تردید هدایت دهنده ی راه حق و صراط مستقیم اوست.